

○ شما توجه خاصی به ترجمه اناری دارید که مستشرقین درباره عرفان اسلامی نوشته‌اند. این التفات آیا علت ویژه‌ای دارد؟

● پدر من خود، دارای تمایلات عرفانی و از مریدان حضرت محبوب علی‌شاه (پیرمراغه) بود و من نیز از دوران کودکی از حال و هوای روحانی حاکم بر خانه مستفیض می‌شدم. از آغاز تحصیلات دانشگاهی نیز تمایل و کشش خاصی نسبت به حکمت ذوقی داشته و ضمن پایبندی به معادلات منطقی و علمی در رویدادهای جهان عینی پیوسته می‌خواستم از طریق قلب و احساس به رمز و راز جهان هستی و اصل خلقت و شور و تکاپوی بشر در جستجوی خالق یکتا پی ببرم. ولی توجه اصلی و علمی من به تصوف، عرفان و معارف اسلامی زمانی در ذهن من قوت گرفت که طی پژوهش و نگارش پایان‌نامه دکتری خود در وین با میراث عظیم و ناشناخته‌ای از فلسفه و عرفان کشورهای بزرگ اسلام و زرتشت تا ظهور اسلام و آراء اندیشمندان بزرگ اسلام و ایران در طی قرون بعد و تأکیدی که بر مقام والای بشر در شعر و عرفان ایران می‌شد، آشنا شدم و احساس کردم که جهت پژوهش‌های آتی خود را یافته‌ام.

○ به تازگی کتاب ابوسعید ابوالخیر، حقیقت یا افسانه فریتس مایر را به زبان فارسی برگردانیده‌اید. این اثر را به چه انگیزه‌ای ترجمه کردید؟

● من با حالات و مقامات شیخ ابوسعید ابوالخیر از مدت‌ها پیش و در طی سالهای تحصیل و تحقیق در خارج و داخل کشور انس و الفت غریبی داشتم و حتی در سالهای اقامت خود در اطریش از طریق پروفیسور هربرت دودا استاد مستقیم من در شرق‌شناسی از پژوهش‌هایی که فریتس مایر در باب ابوسعید ابوالخیر

آغاز کرده بود، آگاهی یافتم ولی هرگز فکر نمی‌کردم که سعادت برگردان این کتاب روزی نصیب من شود. تا زمانی که استاد دکتر نصرالله پورجوادی از من خواست تا متن آلمانی این اثر سترگ را به فارسی ترجمه کنم و این چنین بود که دنیای تازه‌ای بر من مکشوف شد که تا مدت‌ها در آن محو و مستغرق بودم.

○ آثار عرفان اسلامی بسیار مورد توجه مستشرقین از گذشته تا امروز قرار گرفته و تحقیقات زیادی از سوی آنان صورت پذیرفته است. چرا؟

● ریشه‌های عرفان شرق و غرب از یکدیگر جدا نیستند، زیرا که به قولی خاستگاه عرفان اسلامی و یا تصوف را که عمدتاً از دو رکن اصلی «وحدت وجود» و «حکمت اشراق» تشکیل شده است، باید در آراء فلاسفه یونان باستان، بخصوص مکتب نوافلاطونی و اندیشه‌های غنوسی پلوتن یا افلوپتین جستجو کنیم که برای اولین بار از احد یعنی وحدانیت آفرینش و خیرالمحض یعنی اشراق سخن گفت. مهمترین کتب یونانی که تأثیر آنها در اندیشه فلسفه اسلامی از قاطعیت بیشتری برخوردار بود. علاوه بر کتاب مابعدالطبیعه ارسطو، کتاب اثولوجیا درباره ربوبیت و کتاب خیرالمحض درباره فیض و یا اشراق است که به قولی منسوب به ارسطو و به تعبیر مستندتری از آثار پلوتن یا فلوطین است، که جوهر نوافلاطونی دربردارد و برای اولین بار برای ابویوسف اسحق کندی فیلسوف بزرگ اسلام به عربی برگردانده شد. پلوتن با حکمت ایران و هند نیز آشنایی داشته و گویا به ایران باستان نیز سفر کرده بود. فلسفه فلوطین وحدت وجودی است. یعنی حقیقت را واحد می‌داند و احدیت را اصل و منشاء کل وجود می‌شمارد. این دو تألیف نوافلاطونی در حقیقت پایه و اساس حکمت اشراق و فلسفه وحدت وجود در مکاتب عرفان اسلامی گردید و با تأثیر و نفوذی که متفکرین بزرگ اسلام و ایران مانند ابواسحق کندی، ابن رشد، ملاصدرا، ابن عربی، محمد غزالی، فارابی، ابن سینا و بالاخره شهاب‌الدین سهروردی در تکمیل و انسجام عناصر حکمت اشراق برجای گذاشتند، عرفان

اسلامی یعنی تصوف بخصوص در زمینه شعر و ادب و عرفان عاشقانه روز به روز شکوفاتر گردید و از آنجایی که آثار و دیوان عرفا و شعرای بزرگ ما همچون مولانا، عطار، حافظ، خیام، جامی، سنایی، عراقی و سایر بزرگان شعر و ادب هر روز با برگردان و تعابیر تازه‌ای وارد دنیای غرب شده و در دسترس اندیشمندان و شرق‌شناسان قرار می‌گرفت، طبیعی بود که مستشرقان غرب با جاذبه عمیق تری مواجه گشته و سعی داشتند از لابلای ابیات و منظومه‌های عرفانی به تحقیق در ماهیت عرفان اسلامی و رموز علم کلام و نیز احیاناً به بازسازی بقایایی از حکمت و عرفان غرب دست یابند.

○ آیا عامل تسامح و مدارایی که در نظریه عراقی اهل بسط مانند بوسعید وجود دارد می‌تواند علت توجه بیگانگان به متون معتبر باشد؟

● تصور نمی‌کنم که پژوهشگران غرب عارف یا صوفی را صرفاً به علت آزادمنشی و یا خوشدلی وی مورد مطالعه و تحقیق قرار داده باشند، بلکه بالعکس این خصوصیات روحی ضمن تحقیقات بعدی خود را نشان می‌دهند.

○ فریتس مایر آیا خود نیز دارای تجربه‌های عرفانی بوده است و تا چه اندازه به لحاظ اعتقادی به مبانی عرفانی اسلامی اعتقاد داشت؟

● خیر! وی در گفتگوهایی که با یکدیگر داشتیم خود را پایبند هیچ یک از جهت‌های فکری و عقیدتی نشان نداد و هیچ نوع گرایشی به مکتبی و یا مذهبی در خود احساس نمی‌کرد.

○ پس علت توجه او به مباحث عرفانی چه بود؟

● آنچه که وی را در بند می‌کشید نفس پژوهش و شناخت ماهیت و کیفیت اشیاء بود و لاغیر! مایر خود را مجذوب می‌دانست و نه سالک، مجذوب از علم لایتناهی و اندیشه پویا و هرگز تحت تأثیر موضوع پژوهش‌های خود قرار نگرفت و فاصله لازم را با آنها حفظ کرد و تا پایان عمر خود در پی کشف نایافته‌ها بود.

○ به نظر شما چرا احوال و افکار ابوسعید ابوالخیر مورد توجه مایر قرار گرفت؟



گفت و گو با خانم دکتر مهر آفاق بایبوردی

از میهنه تا سوئیس

● آنچه که در تعیین جهت پژوهش‌های عرفانی مایر قاطعیت ویژه‌ای دارد، سفر وی به ترکیه و همکاری نزدیک با هلموت ریتر است. مایر در سالهای اقامت خود در استانبول یا ارشاد و همکاری نزدیک ریتر به تنظیم و تصحیح نسخ خطی مساجد پرداخت. دستنوشته‌های عربی و فارسی که وی در کتابخانه‌های استانبول کشف کرد، نقطه آغاز پژوهش‌های عرفانی وی در سالهای بعد شد. ریتر تنها استادی است که نقش بزرگی در خط مشی علمی و عرفانی مایر ایفا کرد و عشق و علاقه سیری‌ناپذیر وی را به تحقیق در بادیه بی‌انتهای عرفان اسلامی و شعر و ادب فارسی بیدار نمود. در مورد آشنایی مایر با افکار و عرفان ابوسعید باید گفت که سفرهای متوالی استاد به ایران و اقامت‌های طولانی وی در نقاط مختلف میهن مان بخصوص در اصفهان و دیدارها و گفت و شنودهای پربار و صمیمانه وی با درویش و بزرگان فرق مختلف صوفیه در ایران از عوامل تعیین‌کننده بود.

○ مایر برای زیارت قبر بوسعید به میهنه هم آمده بود؟
● خیر، مایر نتوانست به میهنه و خاوران که آن زمان و هنوز هم در ترکمنستان روسیه قرار دارد، سفر کند و خود نیز ابراز تأسف می‌کند که وی هرگز نتوانست مزار ابوسعید را زیارت کند. و اما درباره انگیزه خاص مایر در نگارش کتاب ابوسعید قولی از استاد را در پیشگفتار کتاب نقل می‌کنم که می‌نویسد: ابوسعید ابوالخیر عارفی است که از جهات مختلف و به کزات توجه همگان را به خود جلب کرده است، دلیل اینکه چرا این بررسی جدید درباره او انتشار می‌یابد، اینست که شخصیت خاص او روشن تر ترسیم شود و مفهوم عمیقی که با نام او پیوند خورده است، بهتر توجیه گردد. اگر در مورد حلاج ابهام و دوگانگی روح او و سرنوشت غم‌انگیزی که به استقبال آن شتافت انسان را در بند انتظار و اضطراب می‌کشد، در مورد ابوسعید آن شور و شادی و حالات پر از نشاطی که از لایلای حکایت مربوط به او در تمام سطوح جلوه‌گر می‌شود کنجکاو آدمی را بر می‌انگیزد تا علت اصلی و پیوستگی این حالات را با آن درک کند، من می‌خواهم

در مطالعات خود تا حد امکان در فاصله خیلی نزدیک و مستقیمی با متن منابع باقی بمانم و در حین دنبال کردن آنها خطوط شایان اعتماد چندی از چهره معنوی ابوسعید را ترسیم کنم.

○ آیا مایر از درون منظومه عرفانی اسلامی به زندگی و احوال عارفانه بوسعید راه یافت و یا در تحقیق خویش نگاهی از بیرون منظومه داشته است؟

● سؤال کمی پیچیده و دوپهلوی است. منظور از منظومه در اینجا چیست؟

○ یعنی آیا مایر با تعلقات خاص عرفانی بد سراغ ابوسعید رفت یا فقط یک محقق بود؟

● راستش این دو یعنی موضوع تحقیق (ابوسعید) و منابع تحقیق یا به قول شما منظومه عرفانی بی‌نیاز و جدا از یکدیگر نیستند. به طور مثال بسیاری از اطلاعات و استنادات مایر درباره ابوسعید از آثار معاصران یا پیشکسوتان و یا آیندگان وی اخذ شده است. مانند روایات و حکایاتی که در منظومه‌های عطار و یا تذکرةالاولیاء او آمده است و یا در کشف‌المحجوب هجویری و یا در آثار عین‌القضاة همدانی مانند تمهیدات ولوابع و یا مجموعه تذکرة‌های السیاق لثاریخ نساپور و آثار و منظومه‌های متعدد دیگری که ذکر همه آنها از حوصله این بحث خارج است. بنابراین ضمن اینکه مایر در تحقیقات خود به بسیاری از مسائل و نکته‌ها در آثار و منظومه‌های عرفانی در باب ابوسعید برخورد کرده است، در عین حال از اخبار و روایات منظومه‌های زیادی نیز که قبلاً نام بردیم سود جسته است. اما هیچگاه تعلق ذاتی به عرفان نداشته است.

○ به نظر شما تحقیق مایر تا چه اندازه توانسته خلاء موجود درباره زندگی بوسعید را پر کند؟

● - در حد بسیار چشم‌گیر - تحقیقاتی که تا کنون درباره ابوسعید به عمل آمده است، صرفنظر از تحقیقات دقیق و عالمانه استاد سعید نفیسی و دکتر شفیمی کدکنی بسیار ناقص و کلیشه‌ای و در حقیقت تکرار مکررات و چاپ نسخ قبلی بوده است. مطالب نیز منحصر می‌شد به مختصری از شرح حال و احوال و

بخصوص شرح و بسط مقام شاعری وی که کاملاً مغایر با حقیقت بوده است. در حالی که تحقیقات بی‌سابقه و کم نظیر مایر نکات تاریک زیادی را از زندگی ابوسعید روشن کرده است که از جمله می‌توان از جنداسازی مداهنه‌گویی‌ها و افسانه‌پردازی‌ها از زندگی واقعی ابوسعید نام برد. همچنین رده مقام شاعری وی و اثبات این نکته که ابوسعید در زندگی خود جز یک رباعی و یک بیت شعری نسروده و کلیه اشعاری که به نام ابوسعید در دیوان‌ها و کتب مختلف ثبت شده است همگی منسوب به اوست و نه متعلق به او و یا برداشت ابوسعید از تکالیف دینی و شرعی چون نماز و حج و سایر اصول فقهی و بالاخره نکات عدیده دیگری که برای آگاهی بیشتر باید کتاب را دقیقاً خواند.

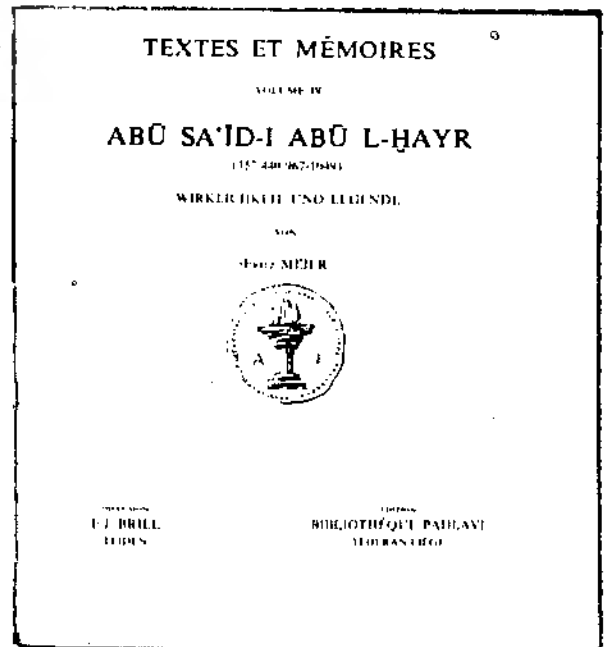
○ آیا کتاب حقیقت و افسانه متضمن نکات بدیع و تازه‌ای است؟

● مسلماً، اصلاً شأن نزول این کتاب نیز در همین است. تحقیقات بی‌سابقه و کم نظیری که در این اثر جامع از حیات و احوال و سلوک و طریقت ابوسعید به عمل آمده است، از چنان عمق و ابعاد گسترده‌ای برخوردار است که صدها نکته بدیع و تنبعات پکر و نوظهور دیگر را نه تنها از افکار و عرفان ابوسعید بلکه تاریخ و فلسفه تصوف اسلامی، فرق مذهبی، مکاتب مختلف فقه و اهل کلام نحله‌ها و فرق مختلف در ایران و سایر ممالک اسلامی در شرق و غرب، نظام خانقاه‌ها و ترجمعات صوفیه، مباحث فقهی و کلامی در مطاوی ملل و نحل توصیف‌جامعی از نظام خانواده‌های مراپطی و ارتباط آنها با خاندان ابوسعید و بالاخره تحولات سیاسی و اجتماعی آن عصر را نیز در برگرفته است.

بخصوص توجه به خانقاه‌هایی که پس از ابوسعید در نقاط و بلاد مختلف از جمله بغداد و شروان برپا شده بود و ردیابی گروهی از احفاد و بازماندگان ابوسعید که در حال حاضر در کرمان زندگی می‌کنند از رُبده پژوهش‌های مایر است.

○ مؤلف در تحقق تحقیقات و ایده‌ها تا چه اندازه از دیدگاه‌های انتقادی و تحقیقی غربیان متأثر بوده است؟

پرتال جامع علوم انسانی



● در حدّ زیاد! پژوهش‌ها و تحقیقات و نقدهای مستشرقین سلف و معاصرین مایر سهم عمده‌ای در توفیق کار وی داشته است. تحقیقات گسترده و جامعی که مایر دربارهٔ صوفی‌های زن (صوفیات) خانواده‌های مُرابطی و قلمرو شیوخ در مغرب و بخصوص در زمینه تاریخ و جغرافیای آن زمان به دست داده است در حد وسیعی مدیون تحقیقات پژوهشگران معاصر و یا پیشگامان وی مانند ژوکوفسکی، فواد سزگین، نیکلسون، آربری، اوستین، لویی ماسینیون، ای. جی. براون، پروکلیمان، گلد سیهر، ژیلبرت لازارد، هانری گوربن، تئودور نولدکه، پدرسن، هلموت ریتز و تعداد کثیر دیگری بوده است.

○ آیا آرای متکلمین، فیلسوفان و عرفای ایرانی هم در تدوین و تألیف این کتاب یاری‌رسان مایر بودند؟

● اصولاً بخش اعظم کتاب ابوسعید ابوالخیر به طوری که پیشتر صحبت کردیم متضمن غرور و تفحص در آراء و افکار متکلمین، فیلسوفان و عرفای ایران و اسلام به طور کلی، برحسب حال و مقال بوده است. به طور مثال مایر فصل جداگانه‌ای را در مورد شادی و سرور به یحیی بن معاذ رازی و صوفیه خوشدل دیگر اختصاص داده است و یا در مباحثی چون قبض و بسط، خوف و رجا، سماع و موسیقی و مباحث کلامی چون جبر و اختیار، تدبیر و تقدیر، تسلیم و رضا، عدل الهی، معاصی کبیره، تشبیه و حلول، قُرب و حضور، حکم وقت، لطف و قهر الهی، وعد و وعید و ده‌ها نکته دیگر نخست به شرح آیات قرآنی و نقل احادیث قدسی و نبوی و آرای متکلمین و اندیشمندان چون حکیم ترمذی قشیری، محمد غزالی، جُلّابی هجویری، عبدالله انصاری، احمد رودباری، بایزید بسطامی، عمر سهروردی، کلابادی، روزبهان خنجی، ابوالحسن خرقانی، عین‌القضاة همدانی و ده‌ها تن دیگر از اصحاب رأی و اندیشه پرداخته و سپس به بررسی این مفاهیم در ارتباط با عرفان و آراء ابوسعید دست زده است.

○ فریتس مایر تا چه اندازه از تحقیقات ایرانیان (فارسی‌زبانان معاصر) استفاده کرد؟

● مایر علاوه بر اینکه پیوسته در جریان آخرین تحولات ادبی و چاپ کتب و مطالب جدید در ماهنامه‌ها، نشریات و دانشنامه‌ها و حتی روزنامه‌ها در ایران بود که به طور منظم به دفتر کار ایشان در سوئیس ارسال می‌شد، خود نیز از کلیه منابع فارسی و حتی عربی که در ایران موجود بود سود جسته است. بدون اغراق می‌توان ادعا کرد که کمتر نشریه و آثار مکتوبی در ایران وجود داشت که در کتابخانهٔ عظیم و غنی ایشان یافت نشود. شاهد این مدعا زیرنویس‌های دقیق و جامعی است که گاهی حتی بالغ بر چند صفحه می‌شود و در ارجاعات کتاب ابوسعید بازنموده شده است.

مایر بی‌تردید از آراء و اندیشه‌های اغلب محققان بزرگ معاصر چون بهار، معین، دهخدا، مینوی، زرین‌کوب و شفیعی کدکنی استفاده کرده است.

○ مایر به جز این کتاب چه تحقیقات علمی دیگری دربارهٔ کلام و عرفان اسلامی انجام داده است؟

● علاوه بر تحقیقات عالمانه مایر دربارهٔ شیخ ابواسحق کازرونی با عنوان فردوس المرشدیه و کتاب فوائج الجمال و فوائج الحلال در باب شیخ نجم‌الدین کبری که در استانبول تدوین شده‌اند، می‌توان از کتاب بهاء‌ولد دربارهٔ پدر مولانا و عرفان خاص او، نقشبندیّه و مجموعه عظیم سنگ بناهای معارف اسلامی (Bausteine) که از مقالات و پژوهش‌های پکر و رسالات پراکندهٔ استاد با اصلاحات و الحاقات و فهرس اختصاصی ایشان تشکیل شده است نام برد.

○ شما در ترجمه کتاب آیا با مشکل خاصی مواجه نبودید؟ مشکلات خود را چگونه مرتفع می‌کردید؟

● البته سبک استاد مایر را در نوشته‌های ایشان نباید سخت پیچیده و غامض و دربند عبارات و اصطلاحات غیرمتداول و خاص ایشان خواند، به طوری که پاره‌ای از موارد پیش آمده بود (البته به ندرت) که من بر روی جمله‌ای یا عبارتی ساعت‌ها و حتی روزها و

شب‌ها به تفکر و تعمق می‌نشستم و سعی داشتم که این مُعضل را حتی‌الامکان خودم بگشایم که گاه موفق می‌شدم و گاه نیز ناچار می‌شدم که مشکل خویش بر پیر مُغان بَرَم تا شاید وی به تأیید نظر حلّ معما کند. و این چنین نیز می‌شد و ایشان اکثراً طی مکاتباتی که داشتیم موضوع را باز می‌کردند و یا در جلساتی که به حضورشان می‌رسیدم و دربارهٔ مشکلات پدید آمده بحث و گفت‌وگو می‌کردیم.

○ شما آیا آثار دیگری از فریتس مایر در دست ترجمه یا زیر چاپ دارید؟

● بله! مجموعه مقالات و تحقیقات سه جلدی مایر را که بالغ بر هزار و صد صفحه می‌شود با عنوان سنگ بناهای معارف اسلامی (Bausteine) در دست ترجمه دارم.

○ جلد اول دریای جان اثر هلموت ریتز یا ترجمه شما و مرحوم عباسی زریاب خوبی چاپ شد. جلد دوم را ظاهراً شما ترجمه کردید این اثر شامل چه ابوابی است و کی منتشر خواهد شد؟

● جلد دوم دریای جان مجموعاً ۵ باب دارد که برخلاف جلد اول که ابواب کوتاه و هریک شامل ۲۰ تا ۲۵ صفحه بود در این جلد هرکدام از ابواب بخصوص فصل ۲۶ و ۲۷ بالغ بر ۷۰ تا ۸۰ صفحه است و شامل:

باب ۲۶: عشق دینی به خوبرویان (شاهدان)
باب ۲۷: عشق بنده به پروردگار (محبة‌العبدلله)
باب ۲۸: فنا و اتحاد با الوهیت
باب ۲۹: خدا، جهان و جان کلّ
باب ۳۰: سفر در خود - خودآگاهی ماوراءالطبیعی و آخرین فنا و بالاخره فهرست تحلیلی هر دو جلد که بالغ بر ۱۴۰ صفحه در متن بوده و اطلاعات کلیدی جامعی را دربارهٔ مفاهیم و اصطلاحات پیچیدهٔ عرفانی در برمی‌گیرد.

○ از اینکه با حوصله به سؤال‌های ما پاسخ دادید، متشکریم.

● من هم از شما تشکر می‌کنم.



فریتس مایر